علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست‌ویکم، شمارهٔ ۸۱ «ویژهٔ باورشناخت»، زمستان ۱۴۰۲، ص ۷۱ –۸۵

تطبیق دیدگاه تفسیری ابوالفتوح رازی و بیضاوی در آیه ابتلاء *

بنت الهدی جعفری راد [۱]
سیده فاطمه هاشمی [۲]
سید محمد رضوی [۳]

چکیده:

مقاله حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی به تطبیق دیدگاه تفسیری دو مفسر فریقین، ابوالفتوح رازی و بیضاوی، ذیل آیه ابتلاء (البقره/۱۲۴) می‌پردازد. تمایز دیدگاه تفسیری دو مفسر نامبرده به اختلاف مبنایی مذهبی و اعتقادی ایشان در موضوع امامت خصوصا در لزوم نصب و تعیین امام (به نص الهی یا انتخاب شورا)، و نیز مصداق و ویژگی خاص عصمت و علم امام بر می‌گردد.

از بررسی این دو دیدگاه به دست می‌آید که هر دو مفسر قائل به اختصاص مقام امامت برای حضرت ابراهیم علیه‌السلام علاوه بر مقام نبوت هستند و بنا به پاسخ خداوند مبنی برعدم تخصیص عهد الهی به ذریه ظالم آن حضرت، اعتقاد به تداوم این مقام

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ taha.hashamy@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Dr.fat.hashemi@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ Dsmrazavi@yahoo.com

در ذریه غیر ظالم آل ابراهیم علیه‌السلام دارند؛ اما وجه تمایز آنکه بیضاوی همچون اکثر اهل سنت و خصوصا دیدگاه اشاعره معتقد به نصب امام بعد از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به نص الهی و تعیین مصداق مشخص نیست، بلکه قائل به انتخاب شورا و بیعت مردم است و توصیه‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را در این مورد تعیینی نمی‌داند. بیضاوی عهد را در آیه ابتلاء به معنای عهد عام الهی می‌داند که شامل هر منصب الهی در دین است و صرفا دلالت بر ظالم نبودن یعنی فاسق نبودنِ جانشین پیامبر به عنوان امام امت دارد؛ در حالی که ابوالفتوح رازی با استناد به دیگر آیات قرآن و نیز بنا به ظاهر و سیاق آیه ابتلاء و توجه به روایات معصومین، عهد را به معنای عهد خاص یعنی امامت خاص معصومان می‌داند که به آل ابراهیم علیه‌السلام می‌رسد و بعد از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله صرفاً عترت معصوم پیامبر شایسته این مقام هستند.

واژه‌های کلیدی: ابوالفتوح رازی، بیضاوی، آیه ابتلاء، امام، عهد، ظالمین.

مقدمه

اختلاف مذهبی بین مسلمین سه ریشه اصلی دارد: نخستین اختلاف بر سر جانشینی پیامبر اسلام، مسلمانان را به دو دسته شیعه و سنی تقسیم کرد؛ دومین اختلاف مسلمین درتبیین وکیفیت مباحث اصول دین و مسائل اعتقادی است که سبب پیدایش مکاتب مختلف تفسیری کلامی گردید که مهم‌ترین آن‌ها اشاعره، معتزله، مرجئه نزد اهل سنت است و سومین اختلاف، درتبیین جزئیات احکام و فروع دین است که در نتیجه آن مذاهب أربعه فقهی اهل سنت مانند (شافعی، حنبلی، مالکی، حنفي) و در مقابل آن فقه شیعه جعفری پدیدار شده است.

با دقت و تأمل در ریشه اختلافات مذکور روشن خواهد شد که اصل و ریشه اختلاف دوم و سوم از اختلاف اول نشأت گرفته است. برخی پنداشته‌اند که ریشه اختلاف بر سر شایستگی علی علیه‌السلام به عنوان جانشینی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در نخستین ساعات رحلت پیامبر اسلام بر می‌گردد که مسلمین به دو دسته تقسیم شدند.

بنا بر آیات قرآن و احادیث نبوی شایستگی عترت معصوم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ودر رأس آنان امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به عنوان امامت خاصه و جانشین معصوم و بر حق آن حضرت امری غیر قابل انکار است.

در سال‌های اولیه بعثت با نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعرا/۲۱۴) و سبب نزول خاص این آیه و سیره عملی نبوی در این مورد، نخستین تصریحات نبوی مبنی بر وصایت امیر المؤمنین علی علیه‌السلام مطرح شد. بعد از آن در مواضع متعدد با نزول آیاتی همچون «آیۀ مودت قربی»، «آیه ولایت»، «آیه تبلیغ» «آیه اکمال دین» و نیز ماجرای غدیر خم و خطبه نبوی غدیر، این حقانیت و امتیاز به شکل کامل تجلی یافت.

در هرحال در قرن پنجم و ششم که عصر ترجمه و شکوفایی دانش‌های مختلف و رویارویی مذاهب اسلامی در جهان اسلام بود، شیعه فرصت گسترش فعالیت فکری و فرهنگی پیدا کرد و توانست معارف ناب شیعه را به جامعه عرضه کند. دانش مسلمانان در این دوره بیش از پیش شکوفا گشت و در رشته‌های گوناگون از جمله تفسیر، آثار مهمی

عرضه شد، مانند «روض الجنان و روح الجنان» که «ابوالفتوح رازی» نوشت و از تفاسیر اجتهادی قرن ششم است . وی از شاگردان زمخشری و از اساتید ابن شهر آشوب و ابن حمزه طوسی بود. کتاب او، نخستین تفسیر کامل شیعی فارسی است که همه سوره‌های قرآن را در برمی‌گیرد.

شیوهٔ تنظیم تفسیر ابوالفتوح رازی اصولاً کلامی ـ روایی است، اما بر جنبه‌های ادبی واژه‌های قرآنی و مباحث لغوی و زبانی و استشهاد به اشعار عربی برای روشن شدن معانی کلمات و جنبه‌های صرف و نحوی نیز تأکید دارد، لذا خصوصیت ادبی را هم می‌توان بر آن افزود.

وی از علماء شیعی مذهب است که گرایش کلامی او در جهت دفاع از عقاید شیعه اثنی عشری است و در تفسیر قرآن، از سبب نزول آیات برای تبیین باورهای اعتقادی خویش بهره می‌گیرد.

تفسیر مهم سنی که نزدیک به زمان اوست، «انوار التنزیل و اسرار التأویل» نوشته قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی از علما، فقها، مفسران و متکلمان ایران در قرن هفتم هجری است.

این تفسیر علاوه بر تأثیر بر مفسران و دانشمندان متأخر از خود؛ در میان معاصران او نیز نسبتاً پراهمیت و نفوذ بوده است. بیضاوی در فقه، شافعی مذهب است و گرایش کلامی معتزلی دارد که در مواردی با عقاید شیعه سازگار است. این تفسیر؛ بیشتر بر اساس تفسیر «کشّاف» زمخشری نوشته شده است تا آنجا که کتاب اورا مختصرالکشاف نیز نامیده اند. به گفته حاجی خلیفه، بیضاوی مطالب مربوط به اعراب و معانی و بیان را از کشاف زمخشری نقل می‌کند. (کشف الظنون، حاجی خلیفه، ۱۴۰۲ق، ج۱، ص۱۲۷)

ایشان از «تفسیر کبیر» فخر رازی و تفسیر راغب اصفهانی و اقوال و آراء صحابه و تابعان نیز بهره گرفته است. این دو تفسیر نسبت به یکدیگر تمایز و تفاوت مبنایی باهم دارند؛ از جمله در مباحث امامت نظیر وجوب نصب الهی امام، وجوب عصمت امام و حدود علم امام و تعیین مصادیق کامل امام برای امت اسلامی و... در پژوهش حاضر صرفاً به تطبیق آراء تفسیری ابوالفتوح رازی و بیضاوی پیرامون آیه ابتلاء (بقره/۱۲۴) می‌پردازیم.

۱-بیان مسئله

مقاله پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی، به تطبیق دیدگاه تفسیری دو مفسر فریقین تقریبا معاصر با یکدیگر می‌پردازد. اهمیت و ضرورت این مطالعه تطبیقی ازآن روست که تفسیر ابوالفتوح رازی نخستین تفسیر شیعی جامع به زبان فارسی است که در قرن ششم تألیف کرده است. مفسر برجسته شافعی، قاضی بیضاوی نیز در فاصله زمانی نسبتاً کوتاهی از ابوالفتوح، تفسیر خود به نام «انوار التنزیل و أسرار التاویل» را نوشته است. هر دو مفسر روش تفسیری مشابهی از نظر لغوی، بلاغی و نقل روایات دارند، لذا مقایسه و تطبیق دیدگاه تفسیری این دو مفسر فریقین ضرورت و اهمیت می‌یابد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که اساساً عوامل مؤثر در دیدگاه و آراء تفسیری ابوالفتوح رازی و بیضاوی در زمینه تفسیر آیه ابتلاء (بقره/۱۲۴) چیست و چگونه تحلیل می‌گردد؟ مقوله امامت، نصب مقام امام و ویژگی ممتاز امام چگونه مطرح شده است؟

پیشینه

در مرور پیرامون موضوع مورد بحث در این مقاله، چندین مقاله نگارش یافته است که از جمله می‌توان به مواردی اشاره کرد:

میرزایی[1] (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی و تطبیق اسباب نزول وارده در شأن امامان معصوم در دو تفسیرطبری و ابوالفتوح رازی» نشان می‌دهد که تمایز روش طبری در اهتمام به طرق روایی یا سلسله سند به نقل از صحابه و تابعین بخصوص عبدالله بن عباس و نیز روایات سبب نزول متعدد آیات نسبت به ابوالفتوح مشهود است. تفاوت در روش تفسیری وگرایش مذهبی دو مفسر موجب شده که به روش تحلیل و نقد روایات سبب نزول در دو اثر تفسیری اختصاص یابد. نتیجه‌ای که از مطالعه کتابهای دو مفسر گرفته شد، افتراق اصلی دو مفسر در گرایش به مذهب شیعه و سنی و تحت الشعاع قرار دادن آثار خود بر موضوع مذهب است. رضوان[2] (۱۳۸۸) در پژوهش «بررسی آرای کلامی قاضی بیضاوی در تفسیر

---

۱. میرزایی، نیکتا، ۱۳۹۵ش، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی

۲. رضوان، هادی، ۱۳۸۸ش، فصلنامۀ فلسفه و کلام اسلامی آینۀ معرفت

انوار التنزیل و اسرار التاویل» به این موضوع توجه کرده که بیضاوی در تفسیرش دیدگاه کلامی خود را افزون بر کتاب الطوالع آورده است. برخی تفسیر بیضاوی را مختصر تفسیر کشاف زمخشری دانسته اند. البته بیضاوی افزون بر این تلخیص هرجا که احساس نیاز کرده آراء و دیدگاه‌های خود را نیز به آن افزوده است.

مصلایی پور یزدی[1] (۱۳۸۶) در پژوهش «روش تفسیری قاضی بیضاوی و جایگاه تفسیر وی» به امتیاز وویژگی‌های خاص این تفسیر اشاره کرده و تفسیر بیضاوی را یکی از تفاسیر مختصر، مفید و بسیار مشهور قرن هشتم می‌داند.

ایزدی مبارکه[2] (۱۳۸۶) در مقاله «سبك تفسیری ابوالفتوح رازی و جایگاه حدیث در آن» بیان کرد که ابوالفتوح رازی یکی از برجسته ترین واعظان منطقه ری در قرن ششم هجری بوده است. لذا تفسیر او سبك واعظانه دارد. از اقتضائات چنین سبکی توجه ویژه او به روایات تفسیری است، به گونه‌ای که وی به بیش از دو هزار حدیث در تفسیر خود استناد می‌کند. این روایات کاربردهای متنوعی دارد؛ نظیر: تبیین معنای واژگان قرآنی، تعیین مصداق برای مفاهیم عام قرآنی، حل مشکل و رفع ابهام بدوی از آیات، تخصیص مفاهیم عام آیات، تاکید بر معنای ظاهری آیات، تبیین و تفصیل احکام الهی در آیات الاحکام، بیان احکامی که در قرآن کریم تشریع نشده است، تعیین مکی و مدنی، تعیین آیات ناسخ و منسوخ، بیان پاداش معنوی خواندن سوره‌ها، تناسب روایت با مفاد آیه، تاویل آیات متشابه، شان نزول آیات و سور. وی از تفاسیر پیش از خود چون جامع البیان طبری و تبیان طبرسی اثر پذیرفته و بر تفاسیر پس از خود به ویژه تفاسیر فارسی چون جلاء الاذهان و منهج الصادقین تاثیر داشته است. تفسیر وی در زمره تفاسیر جامع است. او به آرای اجتهادی صحابه و تابعین در تفسیر توجه ویژه ای دارد و همچون قدمای امامیه خبر واحد را فاقد حجیت می‌داند و از نقل روایات اسرائیلی در قصص قرآن به شدت انتقاد می‌کند.

با توجه به سوابق تحقیقاتی، باید گفت تاکنون پژوهشی که به طور خاص به تطبیق دیدگاه تفسیری دو مفسر پرداخته باشد، یافت نشد. لذا این نوع تحلیل رویکرد تفسیری این

۱. مصلایی پور یزدی، عباس، مطالعات قرآن و حدیث سال اول پاییز و زمستان ۱۳۸۶ شماره ۱
۲. پژوهشنامه قرآن و حدیث، سال:۱۳۸۶، دوره:۲، شماره:۲، ص۱۰۹-۱۳۸

دو مفسر می‌تواند نوآوری پژوهش حاضر قلمداد شود، تا افق تازه‌ای را در مسیر شناخت و تبیین هماهنگی و ارتباط حقایق مرتبط با موضوع امامت نزد قدماء متکلمین فریقین در قرن ششم و هفتم هجری باز کند.

۲- آیه ابتلاء (البقره/۱۲۴)

یکی از مهمترین آیات در مبحث امامت و عصمت که مناقشات کلامی زیادی میان علمای فریقین را درپی داشته است، آیه ذیل است:

*«وَإِذِ ابْتَلى إِبْراهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قالَ لا يَنالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (البقره/ ۱۲۴).

آیه ابتلاء دلالت بر مقام امامت خاصه برای آل پیامبر ﷺ دارد که آل ابراهیم علیهم‌السلام و عترت معصوم و پاک پیامبر خدا هستند و لازمه آن، بهره گیری از علم غیب الهی فراتر از علم افراد عادی بشر است.

۳-معنای دو واژه کلیدی «امام» و «ظالمین» در آیه ابتلاء

*راغب اصفهانی در «مفردات» گوید: «امام» برای چیزی به کار می‌رود که به آن اقتدا می‌شود، چه انسان باشد و سخن و رفتارش الگو قرار گیرد، چه کتاب و غیر آن باشد، حق باشد یا باطل و جمع آن ائمه است. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص۸۷).

*«امام» در اصل مصدر بر وزن کتاب بوده، سپس برای هر مقصد که بدان توجه شود، کاربرد یافته است. (مصطفوی، التحقیق، ۱۴۰۲ق، ج۱و۲، ص۱۳۵)

*ابن فارس گوید: «امام» کسی است که به آن اقتدا شود و در کارها مقدم گردد، پیامبر امام امامان و خلیفه امام رعیت، و قرآن امام مسلمانان است. (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج۱، ص۲۸).

در مورد معنای واژه «ظالمین» ابن فارس گفته است: (ظا و لام و میم) دارای دو معنی اصولی است: همان طور که شخص در تاریکی چیزی را نمی‌بیند؛ در حال ستم کردن هم گویی در تاریکی فرو رفته نمی‌تواند درک حقیقت کند. به طور کلی می‌توان گفت ظلم به

معنای ستم و گذاشتن چیزی در غیر محل آن است. اما آنچه در اصطلاح و عرف مردم از ظلم ذکر می‌شود، بیشتر مصادیق آن یعنی ظلم به معنای اخص است.

راغب اصفهانی نیز ظلم را این گونه معنا کرده است: ظلم نزد اهل لغت و بسیاری از دانشمندان عبارت است از نهادن چیزی در غیر جای ویژه آن یا کمتر و یا بیشتر، و یا آن را در وقت و مکان خود انجام ندادن. ظلم را در تجاوز از حق به کار می‌برند. (مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی، ۵۰۲ ق، ص۱۱۵).

مصطفوی در التحقیق می‌نویسد: «اصل واحد در مادهٔ ظلم اضاعهٔ حق و ندادن آن است: چه در مورد خود انسان، چه دیگری، چه در مورد حقوق خداوند متعال، چه در نسبت به جانداران یا غیر آنان و در حقوق مادی یا معنوی یا روحی» (مصطفوی، التحقیق، ۱۴۰۲، ج۷، ص ۱۷۱)

علامه طباطبایی می‌نویسد: مقتضای تحلیل دقیق عقلی این است که زشتی سایر گناهان به مقدار ظلمی است که در آنها وجود دارد، زیرا ظلم یعنی انحراف از حد اعتدال و وسط یا همان عدل که هر چه این انحراف بیشتر و مبنایی‌تر باشد، زشتی آن بزرگ‌تر و خطرناک‌تر است. (طباطبایی، المیزان، ج۱۱، ص۵۳)

در معنای اصطلاحی علامه گوید: از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کنند؛ چون صبر پیشه کردند و به آیات ما یقین داشتند. این هدایت که در کنار مقام امامت آمده است، به معنای نشان دادن راه نیست؛ زیرا ابراهیم علیه‌السلام پیش از این، مقام نبوت و هدایت را داشته است. پس معلوم می‌شود این هدایت رهنمون ساختن باطنی به نحو ایصال الی المطلوب است. (المیزان، ج۱، ص ۲۷۳)

برخی بزرگان از کلمه «الظالمین» عصمت امام را استفاده کرده‌اند. (ر.ک. المیزان، ج۱، ص ۲۷۴)

۴-دیدگاه تفسیری ابوالفتوح رازی در دلالت آیه ابتلاء

یکم. در ابتدای تفسیر این آیه، ابوالفتوح به قرائت شاذی که در آن «ابراهیم» فاعل و «ربّه» مفعول باشد، اشاره می‌کند. سپس قرائت مشهور را آورده که در آن «ابراهیم» مفعول و «رب» فاعل است. وی معنی «ابتلاء» را امتحان و اختبار و آزمایش می‌داند. (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۶ش، ج۲، ص۱۳۸)

دوم. ابوالفتوح با استناد به این معانی، حقیقت ابتلاء را برای خداوند روا نمی‌داند و مراد به «ابتلاء» در این آیه را امر دانسته، یعنی امر بکلمات. وی قول مجاهد درباره کلمات را از همه اقوال قویتر دانسته است که مراد از کلمات را «إِنِّی جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً» می‌داند. وی استدلال می‌آورد که این عبارت هم در آیه است و سخن منقطع نیست، و هم سیاق آیه بر آن دلالت دارد. (همان، ج۲، ص۱۴۲)

سوم. ابوالفتوح لغت «امام» را از فعال به معنی مفعول در نظر می‌گیرد، مانند الکتاب و الحساب که بمعنی المکتوب و المحسوب هستند و امام یعنی مقتدای امّت و اصلش من أمّه اذا قصده باشد. (همان، ج۲، ص۱۴۲)

چهارم. در مراد از مقام امامت دراین آیه، این دو مفسر با هم یک رأی نیستند. ابوالفتوح در مورد اطلاق مقام امامت علاوه بر نبوت، برای ابراهیم علیه‌السلام و سایر پیامبران الهی از ذریه آن حضرت این گونه عقیده دارد: «معنی امامت در حقّ پیامبر امر به جهاد است که همه پیامبران امام نباشند، از پیغامبران امام آن باشد که مأمور به جهاد باشد». (همان، ج۲، ص۱۴۲). البته او تصریح می‌کند که درجه امامت از درجه پیامبری جداست، برای آن که خدای تعالی ابراهیم را با آن که پیامبر بود تا امامتش نداد امام نشد، پس باید که این درجه‌ای به جز درجه پیغامبری باشد. (همان، ج۲، ص۱۴۳)

پنجم. ابوالفتوح از عبارت «إِنِّی جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً» در آیه فوق استنباط می‌کند که امامت همچون نبوت منصبی الهی است، چراکه پیامبری با منزلت حضرت ابراهیم علیه‌السلام را تا خداوند امامت نبخشید بدین مقام نرسید. **(همان، ج۲، ص۱۴۳)** ایشان قائل به امامت عامه برای انبیاء بعد از آل آن حضرت هستند و همچنین قائل به امامت خاصه برای ائمه معصوم از آل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد.

ششم. ایشان منظور از «عهد» را امامت می‌داند و آن را قول امام باقر و امام صادق علیهماالسلام معرفی می‌کند و در نفی نظر گروهی که مراد از عهد را نبوت می‌داند این استدلال را می‌آورد که ابراهیم علیه‌السلام برای ذرّیه خود امامت خواست و خدای تعالی نفی عهد کرد. اگر معنی عهد امامت نباشد، جواب بر وفق سؤال نخواهد بود و مطابق کلام حکیم نیست که از او

درباره امامت بپرسند و او با نبوت یا میثاق جواب دهد. (همان، ج۲، ص۱۴۴)

هفتم. ابوالفتوح روایتی شاذّ آورده که: «لاینال عهدی الظّالمون»، چنان که «ظالم» فاعل باشد، و «عهد» مفعول، برای آن که «نال» و «تلقّی» و «اصاب» و «ادرك»، افعالی است که از هر دو طرف که اسناد کنی -اعنی طرفی الفاعل و المفعول معنی بنگرد و یکی باشد، نبینی که اگر گویند: نلت کذا و نالنی کذا معنی یکی باشد، و کذلك اصابنی کذا و اصبت کذا (همان، ج۲، ص۱۴۲)

هشتم. بنابراین ایشان نیز همانند سایر علمای شیعه، از این آیه عصمت امام را نتیجه می‌گیرد و چنین استدلال می‌آورد که حق تعالی نفی امامت از ظالم، نموده است، خواه ظلم به خود نماید یا ظلم به دیگران. (همان، ج ۲، ص۱۴۳)

۵-دیدگاه بیضاوی در دلالت آیه ابتلاء

یکم. بیضاوی معنی «ابتلاء» را امتحان و اختبار و آزمایش می‌داند و نظیر همین معنا را ابوالفتوح مطرح می‌کند. (همان، ج۱، ص۳۹۵)

دوم. ایشان مراد از کلمات را ده سنت از سنت‌های ابراهیم علیه‌السلام می‌داند، اموری چون مناسک حج، ختنه کردن، ذبح فرزند، آتش، هجرت و.... (همان، ج۱، ص۳۹۶)

سوم. بیضاوی واژه «امام» را اسم می‌داند برای کسی که به وسیله او هدایت و راهنمایی مردم انجام می‌گردد. (همان، ج۱، ص۳۹۶)

چهارم. بیضاوی امامت حضرت ابراهیم علیه‌السلام را امامت عامّ می‌داند که علاوه بر مقام نبوت به آن حضرت اختصاص یافته است، زیرا بعد از آن حضرت، پیامبری برگزیده نخواهد شد مگر این که از نسل او باشند. وی پیامبران بعدی را مأمور به پیروی از ابراهیم علیه‌السلام می‌داند. (همان، ج۱، ص۳۹۸)

پنجم. فرقه‌های اسلامی اهل سنت به طور عام؛ و اشاعره به طور خاص مانند فخر رازی و بیضاوی معتقدند که جایز است امام با نص پیامبر اثبات شود منتها نص در دیدگاه آنان تنها توصیه پیامبر است به جانشینی شخص بعد از خود؛ نه آنکه نصی باشد که از ناحیه خدا تعیین شده است و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز وجوباً موظف به معرفی آنان باشد.

۶. نقد دیدگاه ابوالفتوح رازی

یکم. معنای کلمات

علامه طباطبایی در نقد این نظر می‌نگارد: «بعضی گفته‌اند مراد از کلمات، جمله «قالَ إِنِّی جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماماً» تا آخر آیات است، اما بر این تفسیر نمی‌شود اعتماد کرد، برای اینکه از اسلوب قرآنی هیچ سابقه ندارد، و معهود نیست که لفظ کلمات را بر جملاتی از کلام اطلاق کرده باشد». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۲۷۰)

البته باید گفت که این وجه نیز قابل قبول نیست، چون سنت‌های ساده مذکور هرگز نمی‌تواند کلمات تامه‌ای باشد که خداوند بخواهد با آنها یکی از انبیای اولوالعزم را بیازماید، بویژه اگر برای رساندن حضرت ابراهیم به مقام شامخ امامت باشد. (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۹۵، ج۶، ص۴۲۹)

دوم. معنای امامت

تفسیری که ابوالفتوح از امامت در آیه فوق بیان نموده و آن را امر به جهاد پیامبر می‌داند، با نظر مشهور علمای شیعه تفاوت دارد. زیرا آنان مراد از امامت در این آیه را مطابق با معنای لغوی قلمداد کرده و آن را پیشرو و کسی که مردم به او اقتداء می‌کنند، می‌دانند. (میبدی، کشف الاسرار، ۱۳۷۱ش، ج۱، ص۳۴۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۲۷۰)

طبرسی نیز با بیان دو معنا برای امامت، رابطه امامت و نبوت را عموم و خصوص من وجه می‌داند:

۱- امام یعنی کسی که مردم در گفتار و کردار از او پیروی کنند.

۲- امام یعنی کسی که امور ملّت را اداره میکند و حدود الهی را اجراء مینماید و متخلّفین از قوانین را به مجازات میرساند و به افرادی که شایستگی منصب و مقام دارند، حکومت و فرمانروایی میدهد و با کسانی که با ملّت وی به دشمنی برمی خیزند و در راه پیشرفت آن ملّت موانعی ایجاد میکنند به محاربه و جهاد می‌پردازد.

بنا بر معنای اول هر پیغمبری «امام» نیز هست زیرا کردار و گفتار هر پیغمبری سرمشق ملّت وی می‌باشد ولی بنا بر معنای دوّم «امامت» یك منصب و مقام ممتازی است و لازم

نیست که هر پیغمبری امام نیز باشد. منظور از «امام» که در آیه واقع گردیده است معنای دوم است یعنی خداوند پس از آنکه ابراهیم را آزمایش کرد و ابراهیم از امتحان کاملًا موفق برآمد وی را پاداش عنایت کرد به اینکه او را «امام مردم» قرار داد. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱ ص۳۷۷)

این برداشت علمای شیعه برگرفته از تعالیم ائمه علیهم‌السلام است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْداً قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيّاً، وَ إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ نَبِيّاً قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا، وَ إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا، وَ إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَاماً. فَلَمَّا جَمَعَ لَهُ الْأَشْيَاء قالَ: إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِماما. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج۱، ص۴۲۶؛ مفید، الاختصاص، ۱۴۱۳ق، ص۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۱۲، ص۱۲).

سوم. معنای عهد

در نقد ابوالفتوح مبنی بر معنای «عهد» آیت اله جوادی آملی گوید: هرچند این سخن ممکن است از نظر لغت درست باشد ولی تام نیست. چون برای نیل دو شیء مانند «الف» و «باء» به یکدیگر سه حالت متصور است: ۱- حرکت هر دو به سوی یکدیگر. ۲- حرکت الف به سوی باء. ۳- حرکت باء به سوی الف. یعنی نیل حتی بر حالتی نیز صادق است که یکی از دو شیء قادر به حرکت به سوی دیگری نباشد و فقط دیگری است که توان حرکت و وصول دارد و رسیدن به مقام امامت به انسان از این قبیل است. زیرا که امامت مقامی انتصابی و جعلی است که خداوند باید آن را برای انسان قرار دهد. آنگاه می‌توان گفت که آن شخص به امامت رسیده است. پس نمی‌توان گفت: چون امامت به غیر ظالم می‌رسد، پس هر کس ظالم نبود می‌تواند به امامت نایل گردد. (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۹۵، ج۶، ص۴۳۹)

۷. نقد دیدگاه بیضاوی

سخن بیضاوی در تفسیر امام در آیه، بدین معناست که امامت شاخصه‌ای است که صرفا برای حضرت ابراهیم علیه‌السلام می‌باشد و پیامبران بعدی مأمور به پیروی از او هستند. بنابراین وی همچون دیگر مفسران اهل سنت، امامت در آیه ابتلاء را به نبوت و رسالت

تفسیر نموده است. (سورآبادی، ۱۳۸۰ش، ج۱، ص۱۱۹؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج۱، ص۲۲۴؛ نووی، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۴۳)

درحالی که اعتقاد شیعیان در این مورد آن است که مقام امامت عهدی الهی است و امام باید معصوم باشد. پس از آن که مقام امامت به حضرت ابراهیم علیه‌السلام عطا گردید، ایشان این مقام را برای ذریّه خود درخواست نمود و خداوند فرمود: «...قالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قالَ لا يَنالُ عَهْدِي الظَّالِمِين» (البقره/ ۱۲۴)

البته بیضاوی با عطف «مِنْ ذُرِّيَّتِي» بر کاف، معنای «بعض ذريتي» را برداشت می‌کند، ولی او نیز چون ابوالفتوح بیان می‌کند که جمله «قالَ لا يَنالُ عَهْدِي الظَّالِمِين» در جواب درخواست ابراهیم علیه‌السلام است و به او گوشزد می‌کند که اگر در نسل او ظالمی وجود داشته باشد، آن‌ها به مقام امامت نخواهند رسید؛ چرا که امامت، امانتی از جانب خدا و عهد او است، و ظالم صلاحیت این امانت و عهد را ندارد و تنها انسان‌های پاک و پرهیزگار به این مقام می‌رسند، با این تفاوت که ایشان معتقد است: «این آیه دلالت بر عصمت انبیاء از گناهان کبیره قبل از بعثت می کند و طبق این آیه فاسق صلاحیت برای امامت ندارد.» (بیضاوی، ۱۴۱۶ق، ج۱، ص۳۹۸)

نظر برخی از اهل سنت در عدم صلاحیت فاسق برای عهد الهی، مطابق نظر بیضاوی است، (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص۱۸۵) ولی عقیده برخی از علمای اهل تسنن خلاف بیضاوی است. آنها می‌گویند: این آیه نمی‌تواند دلیلی بر عصمت انبیاء قبل از بعثت باشد و نمی‌تواند دلیلی بر این باشد که فاسق صلاحیت خلافت نداشته باشد، بدلیل این که مراد خداوند از بیان این جمله این است که قطع طمع کافران از انتساب به مقام نبوت نماید. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج۱، ص۳۷۶)

نتیجه

از دیدگاه تفسیری دو مفسر فریقین ابوالفتوح رازی و بیضاوی (قرن ششم و هفتم هجری) ذیل آیه ابتلاء با گرایش خاص مذهبی و اعتقادی ایشان نتایج زیر حاصل شد:

اختلاف مبنایی اهل سنت با شیعه در موضوع امامت در نصب و تعیین امام،

مصداق و ویژگی‌های امام می‌باشد که همین تفاوت در آراء تفسیری ابوالفتوح رازی و بیضاوی ذیل ایات مربوط به امامت از جمله آیه ابتلاء دیده می‌شود.

۱. هردو مفسر نامبرده در آیه ابتلاء، به اختصاص مقام امامت برای ابراهیم علیه‌السلام و نیز تداوم این مقام برای برخی ذریه آل ابراهیم علیه‌السلام در صورتیکه ظالم نباشند تأکید کردند.

۲. ابوالفتوح رازی همچون تمام مفسران شیعه نصب و تعیین امام را به نص الهی می‌داند و لذا معرفی امام به مردم و تعیین مصداق آن را وظیفه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دانسته است. ایشان به استناد آیات و روایات و سیاق آیه ابتلاء، عصمت انبیاء و ائمه و وجوب اطاعت ازایشان را اثبات می‌کند. ابوالفتوح قائل به امامت خاص اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله میباشد که با نص الهی تعیین شده و پیامبر خدا مصادیق آنها را تعیین فرموده اند.

۳. ابوالفتوح همچون سایر علمای شیعه عهد را به معنای امامت دانسته است. ایشان دلالت آیه «لا ینال عهدی الظالمین» را صراحتاً مستلزم عصمت امام از هرگونه شرک و معصیت و دلیل بر نصب خاص الهی می‌داند همچنان که این امر را در مورد انبیاء قائل است در حالی که بیضاوی همچون رأی اکثر اهل سنت عهد را در معنای عام گرفته که شامل هر عهد و پیمان الهی و هر منصب الهی در دین می‌باشد. ایشان دلالت آیه را بر معصومیت امام قائل نیست زیرا ظالم را به معنای فاسق و نقطه مقابل عادل دانسته است. لذا مطابق نظر ایشان در جامعه اسلامی فرد مشرک یا معصیت کننده صغیره قبل از امامت در صورتی که توبه کرده باشد نیز می‌تواند امام مسلمین باشد مشروط برآنکه که در زمان رسیدن امامت جامعه عادل باشد.

۴. ابوالفتوح در آیه ابتلاء قائل به عصمت امام و به تبعیت از آن معتقد به علم ویژه امام است که اورا از هرگونه لغزش بدور می‌دارد، چه قبل از رسیدن به مقام امامت چه پس از آن؛درحالیکه طبق نظر بیضاوی امامت تنها برای انسان‌های عادل مشروع می‌باشد و به تبعیت از آن ایشان علم امام را علم اجتهادی و خطا پذیر می‌داند.

۵. علمای شیعه اثنی عشریه این آیه را از بزرگترین ادله و شواهدی گرفته‌اند بر اینکه بایستی امام دارای مقام عصمت باشد و از هر خطاء و گناهی مبراء و مصون و از هر خلق ناپسند و نکوهیده پاك و منزه و از هر عمل زشتی بر کنار باشد، و روی همین اصل امامیه ثابت نموده‌اند که خلافت و امامت بایستی بنص و تعیین خود رسول الله ﷺ یا امام سابق انجام گیرد زیرا که عصمت امر معنوی و مقام بلندی است که کسی را اطلاعی بر آن نیست مگر «علام الغیوب»[۶].

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

*.آلوسی، شهاب الدین، **روح المعانی**، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۳۱۰ه.ق.

*.ابوالفتوح رازی، حسین، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ ش.

*.أحمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، مکتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴ه.ق.

*.امین، سیده نصرت بیگم، **مخزن العرفان فی تفسیر القرآن**، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.

*.بیضاوی، عبدالله، **انوار التنزیل و اسرار التأویل** بیروت، دارلفکر، ۱۴۱۰ ه.ق.

*.جوادی آملی، عبدالله، **تسنیم**، أسراء، ۱۳۷۸ش.

*.حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، **کشف الظنون**، وزارت معارف دولت ترکیه، ۱۴۰۲ه.ق.

*.حقی بروسوی، اسماعیل، **تفسیر روح البیان**، بیروت، احیاء التراث العربی، ب‌ی‌تا.

*.راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، دارالقلم، ۱۴۱۹ه.ق.

*.زمخشری، محمود بن عمر، **الکشاف عن حقائق غوامض القرآن**، تهران، ققنوس، ۱۳۹۱ش.

*.سور آبادی، عتیق بن محمد، **تفسیر التفاسیر**، تهران، مرکز نشر نو، ۱۳۷۱ش،

*.طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر علوم القرآن**، اسماعیلیان، ۱۳۶۰ش.

*.طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.

*.کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول الکافی**، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ه.ق.

*.مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العالمیه، ۱۴۰۳ه.ق.

*.مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن**، مرکز نشر کتاب، ۱۳۹۹ق.

*.مفید، محمد بن محمد، **الاختصاص**، قم، الموتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ه.ق.

*.میبدی، احمد بن محمد، **کشف الاسرار و عدّة الابرار**، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ش.

*.نووی، یحیی بن شرف، **منهاج الطّالبین وعمدة المفتین**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.